

پیامدهای ژئوپلیتیکی خطوط لوله عربی بر

تنگه هرمز

محمد ولی مدرس^۱*

محسن کرمی ناوه کش^۲



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره سوم، شماره اول،
بهار ۱۳۹۳

چکیده

طی چند دهه گذشته منازعه، مبارزه و رقابت دائمی به یک پدیده عادی در منطقه خلیج فارس تبدیل شده است. از میان عوامل موجود، می توان به روابط پرتنش بین ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران و تهدید به بستن تنگه هرمز، اشاره کرد. در این راستا آمریکا و هم پیمانان عربش، اندیشه چندگانه کردن مجاری صدور نفت از خلیج فارس به نقاط مختلف جهان را در دستور کار خود قرار داده اند که این موضوع مورد بحث مقاله حاضر است. این مقاله به بررسی این فرضیه پرداخته است که تنش موجود بین غرب و جمهوری اسلامی ایران از یک سو و بین کشورهای حاشیه خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، به همراه مواضع جمهوری اسلامی ایران مبنی بر بستن تنگه هرمز در شرایطی خاص، موجب خواهد شد که هزینه های طرح های جایگزین آبراه تنگه هرمز برای کشورهای صادر کننده نفت در این حوزه توجیه پذیر شود که پیامد آن کاهش اهمیت تنگه هرمز است و در این باره، از مزیت اهرم استراتژیک جمهوری اسلامی ایران کاسته خواهد شد.

واژه های کلیدی: انرژی، خلیج فارس، تنگه هرمز، خطوط لوله عربی، خط لوله نفت.

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی

* نویسنده مسئول، ایمیل: Mvmodarres@khu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۸

فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۶۸-۲۳۹

مقدمه

واقع شدن ایران در قلب انرژی جهان و موقعیت استراتژیک منحصر به فردی که ایران در آن قرار دارد باعث انطباق دو موقعیت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک برای کشورمان شده است. این وضعیت برای واشنگتن که دارای روابط خصمانه‌ای با تهران می‌باشد، ناخوشایند است. آمریکا می‌داند که ایران می‌تواند از وضعیت ژئوپلیتیکی مناسب خود، هم از بعد مزایای ژئواکونومیک، قدرت خود را افزایش - دهد و هم از بعد ژئواستراتژیک نفوذ و اثرگذاری خود را گسترش دهد. از منظر آمریکا، انرژی مهم‌ترین متغیر ژئوپلیتیکی ایران است که می‌تواند به وسیله آن سایر اهداف خود را پی‌گیری کند و در نتیجه درصدد است تا این مزیت ژئوپلیتیکی ایران را تحلیل برد.

طبق آمارهای غیررسمی در هر ده دقیقه یک کشتی غول پیکر از این آبراه بین-المللی می‌گذرد. در دهه‌های گذشته و به ویژه در سال‌های اخیر کشورهای غربی و در رأس آن آمریکا درصدد برآمده اند که با اتخاذ سناریوهای مختلف از اهمیت این منطقه استراتژیک بکاهند و وابستگی خود را به این آبراه بین‌المللی تا جایی که امکان دارد کاهش دهند (مردم سالاری، آبان ۱۳۹۰).

حال در اینجا سؤالی که مطرح می‌شود این است که آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش برای کم اهمیت کردن ارزش آبراه خلیج فارس و تنگه هرمز به عنوان منطقه استراتژیک انرژی جهان چه راهکاری را در دستور کار خود قرار داده‌اند؟ فرضیه ما این است که ایالات متحده در راستای جامه عمل پوشاندن به نیت خود در راستای کم اهمیت کردن نقش تنگه هرمز به روشهای مختلف مانند ترویج ایران هراسی در بین کشورهای منطقه و ترغیب آنها برای دور زدن تنگه هرمز با کشیدن لوله‌های جایگزین انتقال نفت در پی کاهش وابستگی به آبراه تنگه هرمز جهت عرضه نفت خام به بازارهای جهانی است. هدف از تغییر مسیر و دور کردن عبور نفت از خلیج فارس این است که ایران را از اهرم استراتژیک مهمی که در اختیار دارد محروم سازد و کارایی آنرا تا



پیامدهای خطوط
لوله عربی بر
ژئوپلیتیک
تنگه هرمز

حد ممکن کاهش دهد که در واقع این عمل به طور مؤثری از اهمیت تنگه هرمز خواهد کاست. اگر چه ممکن است این تصور نیز ایجاد شود که این اقدام پیش شرط و یک تمهید مهم برای جنگی باشد که آمریکا علیه تهران و متحدان آن آغاز و هدایت خواهد کرد. در این چارچوب است که خط لوله نفت خام ابوظبی و یا خط لوله حبشان- فجیره برای عدم استفاده از تنگه هرمز، از طرف امارات متحد عربی مطرح می شود. در این پژوهش سعی شده است تا با تبیین وضعیت کنونی انرژی (نفت و گاز) ایران و جهان و همچنین امنیت آن، سناریوهای ضد ایرانی آمریکا و هم پیمانان منطقه ای اش در راستای کاهش اهمیت استراتژیکی تنگه هرمز تحلیل و ارزیابی شود و همچنین نشان داده خواهد شد که چگونه کشورهای غربی در راستای ضربه زدن به جمهوری اسلامی با تهييج و ترغيب متحدان منطقه ای تولید کننده انرژی خود در جنوب خلیج فارس به تنوع بخشی به مسیرهای صادراتی از مسیرهایی غیر از تنگه هرمز در پی رسیدن به خواسته های خود در این منطقه تأثیرگذار بین المللی هستند.

روش پژوهش در تحقیق پیش رو روش تبیینی است و روش گردآوری داده ها کتابخانه ای است که با رجوع به آثار، کتب و مقالات معتبر و اینترنت با رویکردی چند جانبه به مطالعه و جمع آوری مطالب مورد نظر پرداخته شده است تا در این راه سناریوهای کشورهای غربی و عربی که برای کم اهمیت کردن تنگه هرمز بکار گرفته شده است مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. این امر حاکی از اهمیت انرژی از یک سو و وابستگی کشورها به آن از سویی دیگر می باشد.

۱. بررسی پیشینه پژوهش

در مورد پژوهش پیش رو مقالات زیادی نوشته شده است که می توان به موارد زیر اشاره کرد: مارتین واهلیش در مقاله ای تحت عنوان «اختلافات ایران و ایالات متحده آمریکا بر سر تنگه هرمز» ضمن بررسی زوایای مختلف حقوق دریاها به بررسی موقعیت ایران نیز می پردازد و در پایان عنوان می دارد که بستن تنگه های بین المللی پیش از این نیز سابقه داشته است و امر جدیدی نیست. در سال ۱۹۵۰ ایالات متحده

آمریکا یک محاصره دریایی در خلیج تایوان برقرار کرد. در ۱۹۹۳ براساس قطعنامه‌های سازمان ملل، ناتو و اتحادیه اروپای غربی، این کشورها یک محاصره دریایی مشترک در دریای آدریاتیک برقرار کردند که شامل تنگه اترانتو نیز می‌شد. ترکیه نیز در سال ۱۹۹۴ همان تنگه را بست. سازمان دریانوردی بین‌المللی با این استدلال که این مسدود کردن به حق کشتی‌هایی که مطابق حقوق بین‌الملل از این تنگه می‌گذرند لطمه‌ای نمی‌زند با آن مخالفت نکرد. در ادامه این سؤال مطرح است که آیا می‌توان یک تنگه را در پاسخ به تحریم‌های غیرقانونی بست؟ مسئله به این باز می‌گردد که آیا در مقابل سازمان ملل متحد و یا اتحادیه اروپا می‌توان اقدام متقابل انجام داد؟ اقدام متقابل علیه دولت‌های خاطی انجام می‌گیرد و نمی‌توان علیه سازمان بین‌المللی اقدام متقابل انجام داد. این امر در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی هم دیده شده است. علاوه بر این، اقدام متقابل، یک عنوان کلی است و آزادی دریانوردی در تنگه‌های بین‌المللی یک آزادی خاص است و در تعارض مقرر عام و مقرر خاص، دومی برتری دارد. علاوه بر تمام این‌ها می‌توان گفت که با توجه به حساسیت تنگه هرمز، بستن آن می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد و از این جهت، قانونی نیست.

شاید بتوان یکی از جدیدترین منابع در زمینه تنگه هرمز را کتاب «بررسی بازتاب‌های انسداد احتمالی تنگه هرمز» تألیف محمدرضا حافظ نیا و میثم میرزائی تبار باشد که در فصل نخست کتاب برای فهم بهتر مطالب به تعاریف مفاهیم و اصطلاحات جغرافیایی، سیاسی و حقوقی درباره موضوع می‌پردازد. در فصل دوم به عنوان الگوی کار، تجربه تاریخی انسداد تنگه‌ها و آبراهه‌های بین‌المللی تشریح شده و به تبعات انسداد کانال سوئز طی سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ میلادی اشاره کرده است، فصل سوم کتاب به بیان ویژگی‌های تنگه هرمز از نظر طبیعی، تاریخی، سیاسی و حقوقی می‌پردازد که برای فهم بهتر این نقطه استراتژیک، ویژگی‌ها و اهمیت منطقه خلیج فارس و دریای عمان نیز تشریح شده است. فصل چهارم کتاب به میزان وابستگی کشورها به تنگه هرمز اختصاص دارد که در آن

وضعیت وابستگی کشورهای عمان، عربستان سعودی، قطر، ایران، امارات متحده عربی، کویت، بحرین، عراق، ژاپن، چین، ایالات متحده آمریکا و همچنین اتحادیه اروپا مورد ارزیابی قرار گرفته است. در فصل پنجم، موقعیت و نقش استراتژیک تنگه هرمز بررسی و تشریح شده است. فصل ششم کتاب، امکان‌سنجی انسداد تنگه هرمز را مورد واکاوی قرار می‌دهد و موضوع را از دو جنبه حقوقی و اجرایی بررسی می‌کند. فصل هفتم که اصلی‌ترین فصل کتاب محسوب می‌شود، تبعات و بازتاب‌های انسداد احتمالی تنگه هرمز را بررسی می‌کند که در این راستا، مهم‌ترین تبعات اقتصادی، ارتباطی و سیاسی امنیتی این انسداد برای جهان بررسی و جنبه‌های مختلف هر بخش تشریح می‌شود. فصل پایانی کتاب به نتیجه‌گیری اختصاص دارد که مهم‌ترین نتایج انسداد احتمالی تنگه هرمز معرفی و در انتهای این فصل پیشنهادهایی در زمینه چگونگی اتخاذ استراتژی درباره این تنگه ارائه می‌شود.

همچنین مقاله دیگر تحت عنوان، «بررسی میزان وابستگی کشورهای صنعتی به نفت صادراتی از تنگه هرمز به وسیله تخمین تابع تقاضا برای نفت منطقه خلیج فارس» توسط فرهاد رهبر و مهدی محمود رباطی نگاشته شده که در بخش دوم مقاله به بررسی مدل‌های تخمین زده شده و مطالعات گذشته در زمینه تقاضای نفت خام پرداخته شده است، در بخش سوم ساختار بازار جهانی نفت مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه به طرح‌های انجام گرفته برای کاهش اهمیت تنگه هرمز پرداخته می‌شود، در بخش چهارم مقاله الگوی اقتصادسنجی مورد استفاده و روش تخمین مدل بیان شده و در ادامه آن نتایج حاصل از تخمین بیان می‌شود. در بخش پنجم مقاله نتایج حاصل از تخمین مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و بعد از محقق شدن هدف پژوهش نتایج تحقیق بیان شده است. در پژوهش پیش‌رو برخلاف غالب پژوهش‌های موجود که به سادگی از کنار سناریوی خطوط لوله دور زنده تنگه هرمز عبور می‌کنند. این مقاله با واکاوی دقیق این خطوط لوله به این نتیجه رسیده است که خطوط مورد نظر تهدیدی بالقوه برای جمهوری اسلامی ایران به ویژه در درازمدت خواهد بود و نیاز به بررسی‌های عمیق‌تر در زمینه جلوگیری از این معضل خواهد

داشت، که در نتیجه‌گیری نگارندگان به ارائه راهکارهایی در زمینه خروج از این مشکل خواهند پرداخت.

نوآوری این مقاله در واکاوی اهمیت تنگه‌هرمز با توجه به سناریوهای پیش‌رو می‌باشد و اینکه از بعد اجرایی، این پژوهش می‌تواند به عنوان منبعی مناسب برای سیاستگذاران دستگاه سیاست خارجی ایران، جهت شناسایی نقش و جایگاه تنگه-هرمز در برقراری مناسبات راهبردی با کشورهای دیگر و نیز شناسایی موانع موجود و بازگرداندن مجدد اهمیت تنگه به آن مورد استفاده قرار گیرد.

۲. امنیت انرژی

امنیت انرژی به تولید و مصرف آسان انرژی (خصوصاً نفت و گاز) اطلاق می‌شود چنانچه هیچ مشکلی بر سر راه استخراج، تولید و حمل و نقل (تولید، توزیع و مصرف) آن وجود نداشته باشد. امنیت انرژی مباحث گسترده‌ای از جمله افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، امنیت عرضه، ترانزیت و حفاظت از خطوط لوله، منابع انرژی مطمئن، قیمت‌های مناسب انرژی، تعیین سیاست‌های انرژی، تغییرات آب و هوایی و محیط زیستی ناشی از مصرف برخی سوخت‌ها و انرژی‌های جایگزین را در برمی‌گیرد (Winstone, 2007:1).

برای کشوری که خواهان ایفای نقش مؤثری در امنیت انرژی جهانی می‌باشد، ضروری است که روابط امنیت انرژی منطقه‌ای محکمی با کشورهای منطقه خود داشته باشد. همکاری‌های انرژی با کشورهای منطقه ضمن اینکه در راستای منافع ملی و امنیت ملی می‌باشد از مهم‌ترین کلیدهای دسترسی به همکاری‌های انرژی بین‌المللی محسوب می‌شود (مه‌دی‌ان و ترکاشوند، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

زمانی این اهمیت دوچندان می‌گردد که احساسی از ناامنی در جریان انتقال آن بوجود آید. این مسئله بدان معنی است که هم برای کشور صادر کننده و هم برای کشور وارد کننده، امنیت انتقال انرژی حائز اهمیت فراوان است. در همین راستا، برای کشورهای منطقه، امنیت انرژی آنها به امنیت تنگه‌هرمز گره خورده است.

۳. اهمیت عبور ترانزیت نفت و گاز در تنگه هرمز

عمده‌ترین دلیل اهمیت خلیج فارس به وجود ذخایر عظیم گازی و نفتی در این منطقه است. خلیج فارس دارنده بیش از ۴۸/۱ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان است و ۳۰ درصد تجارت جهانی نفت را در اختیار دارد. در سال ۲۰۰۶ کشورهای خلیج-فارس در حدود ۲۸ درصد نفت جهان را تولید کرده‌اند. میزان صادرات کشورهای حاشیه خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ روی هم رفته ۱۹/۱ میلیون بشکه در روز بود که از این میزان ۱۷ میلیون بشکه آن از طریق تنگه هرمز (معادل یک پنجم تقاضای جهانی) و الباقی از طرق خطوط لوله نفتی ترکیه به مدیترانه و از عربستان به دریای سرخ منتقل گردید (EIA, 2012). همچنین جدای از نفت، منطقه خلیج فارس نسبت عظیمی از ذخایر گازی ۲۸۲۶/۳ تریلیون فوت مکعب یعنی ۳۸/۴ درصد کل ذخایر کشف شده جهان را دارد که سهم ایران از آن ۱۵/۹ درصد معادل ۱۱۶۸/۶ تریلیون فوت مکعب است (BP, 2012:20). خط ساحلی ایران در صدور این انرژی‌ها نقش حیاتی بازی می‌کند زیرا تانکرها و نفت‌کش‌ها از مسیرهایی عبور می‌کنند که بسیار نزدیک به خاک ایران، جزایر تحت کنترل و پایگاه‌های نیروی دریایی‌اش در خلیج فارس است. این حساسیت بالا و تهدیدهای ایران به انسداد تنگه هرمز در صورت هرگونه حمله نظامی علیه ایران اکنون یکی از دغدغه‌های کشورهای پیشرفته صنعتی برای تضمین امنیت صدور انرژی است.

در کنار مباحث اقتصادی نفت، مباحث امنیتی نیز حائز اهمیت بسیاری است و این ماده حیاتی فقط به عنوان یک کالای اقتصادی مطرح نیست، بلکه بسیاری از معادلات نظامی، استراتژیک و امنیتی منطقه حول این موضوع رقم می‌خورد؛ چنان‌که طی دو جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ در کنار سیاست‌های اعلامی ایالات متحده، عمده کارشناسان به این موضوع معترفند که هدف اصلی آمریکا قبضه بازار نفت بوده است (شهابی، ۱۳۸۶: ۷۹-۸۷). آمریکا به عنوان فاتح جنگ جهانی دوم به سبب وابستگی‌اش به نفت خلیج فارس در طول بیش از شش دهه گذشته توجه زیادی به این منطقه نشان داده است (اسدیان، ۱۳۸۱: ۳۳). در نتیجه اهمیت

فوق‌العاده تنگه‌هرمز بر کسی پوشیده نیست. طبق آمارهای غیررسمی در هر ده دقیقه یک کشتی غول پیکر از این آبراه بین‌المللی می‌گذرد و این نبض حیاتی جهان را مانند شاهرگ اصلی دنیای صنعتی در دریافت مایحتاج خود و همچنین فروش محصولات و از طرف دیگر برای کشورهای ساحلی خلیج فارس در فروش نفت و دریافت کالاهای اساسی قرار داده است. اهمیت تنگه‌هرمز از طرف دیگر مربوط به روابط تاریخی غرب و کشورهای همسایه خلیج فارس و صادرات انرژی از این منطقه به سایر مناطق جهان است. ارزش تنگه‌هرمز در طول تاریخ بگونه‌ای بوده است که به عقیده یک تاریخ نویس پرتهالی در قرن هفدهم میلادی، اگر جهان را یک انگشتری طلا فرض کنیم، نگین آن «هرمز» خواهد بود (نجفی اسفاد، ۱۳۶۹: ۱۲). میزان واردات نفت آمریکا از خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ از سه کشور عربستان ۱۱۹۵ هزار، عراق ۴۶۰ هزار و کویت ۱۹۱ هزار بشکه بوده و در مجموع نشان دهنده وابستگی یک میلیون و هشتصد و شصت و دو بشکه‌ای به نفت خلیج فارس می‌باشد (EIA, 2012). این در حالی است که واردات این کشور از خلیج فارس در سال ۲۰۰۱، دو میلیون و هفتصد و شصت و یک هزار بشکه بوده که نشان دهنده کاهش وابستگی آمریکا به نفت این منطقه استراتژیک است (EIA, 2012). به عبارت دیگر میزان واردات نفت خام کشورهای مصرف‌کننده نشان‌دهنده این امر است که در حال حاضر آمریکا در حال کاهش واردات نفت خام مورد احتیاج خود از خلیج فارس می‌باشد (Emerson and Winner, 2014:25).

۴. ایالات متحده و رویکرد ضد ایرانی

آمریکا با تداوم حضور خود در منطقه و ایجاد روابط با دول همسایه ایران در شمال، جنوب، شرق و غرب در صدد ایجاد فضایی رعب‌انگیز و تنش‌زا در ارتباط ایران با آن کشورهاست. استراتژی آمریکا در منطقه خاورمیانه در قبال ایران مبتنی بر محدود ساختن و منزوی کردن و به طور کلی حذف ایران از معادلات منطقه است و برای رسیدن به این مهم و نیز تسلط بر منابع اقتصادی و موقعیت استراتژیکی منطقه از تمامی ابزار دیپلماسی و حتی نظامی در مقیاس گسترده استفاده می‌کند. در میان

کشورهای همسایه ایران، کشورهای عرب از لحاظ تعداد، جایگاه مهمی دارند. روابط ایران با هریک از کشورهای عربی و به عنوان یک مجموعه از کشورها که دارای اشتراکات زیادی میان خود و نیز اشتراکات زیادی با ایران هستند، به دلیل مداخله عوامل جغرافیایی، دینی، فرهنگی و سیاسی از گذشته‌های نه چندان دور دچار فراز و نشیب‌هایی بوده است. به گونه‌ای که بازنگری در آن با توجه به دورنمای آینده ضروری می‌نماید (عضدی، ۱:۱۳۹۰) زیرا فضای آلوده زمینه را برای بهره‌برداری آمریکا مهیا می‌سازد.

درهمن راستا، در سال ۲۰۰۹ هیلاری کلینتون در سفر آسیایی خود با صراحت اعلام داشت که اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد ایالات متحده، متحدان خود را زیر چتر دفاعی خواهد گرفت (Borger, 22 July 2009) و این نخستین بار بود که از سوی یک مقام ارشد آمریکا سخن از چتر اتمی در خلیج فارس بیان می‌شد و این نشان از اهمیت این منطقه و در پهنه بین‌المللی یک ضرورت استراتژیک برای آمریکا به شمار می‌آید، ضرورتی که ریشه در منطق سلطه جویانه حاکم بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا دارد.

در سال ۲۰۱۲ با بالا گرفتن تنش‌ها بین ایران و غرب بسیاری از مقامات و نیروهای نظامی تهدید به بستن تنگه استراتژیک هرمز کرده‌اند از جمله اظهارات رئیس کل ستاد نیروهای مسلح ایران است که اظهار کرده بود: ما طرح بستن تنگه-هرمز را داریم، ولی اجرای آن مستلزم تدبیر و دستور فرمانده معظم کل قوا است. سرلشکر فیروزآبادی در خصوص ورود ناو هواپیمابر آمریکا به خلیج فارس گفت: «قضیه حضور و نقش آمریکا در منطقه مسئله تأمین منافع ابرسرمایه‌داری و آمریکا و صهیونیسم در منطقه است» (Guzansky, 23 Jul 2012). ولی در عین حال او اشاره می‌کند که: «آنچه فرماندهان آمریکایی اعلام کردند، این تحرکات ناو هواپیمابر جرج واشنگتن برای پشتیبانی از جنگ افغانستان و مقابله با دزدان دریایی است» (ایسنا، ۳۰ تیر ۱۳۹۱). وی همچنین معتقد است که کنترل ما بر تنگه‌هرمز کنترل هوشمند و عاقلانه است (تابناک، ۱۷ تیر ۱۳۹۱). نگرانی از امنیت تنگه‌هرمز باعث بالا رفتن

مقطعی قیمت جهانی نفت شد. مسئولان ایرانی بارها تهدید به بستن تنگه هرمز در صورت تحریم نفت ایران از سوی کشورهای غربی و یا اختلال در صادرات آن کرده‌اند (CNN, 2011/12/27). همچنین سخنان محمد رضا رحیمی معاون رئیس جمهور پیشین که هشدار داده بود در صورت تحریم‌های گسترده، ایران اجازه نخواهد داد حتی یک قطره نفت از طریق تنگه هرمز منتقل شود (Canty, 28 Dec, 2011). بر وخامت اوضاع افزود و باعث تحریک بیشتر بازار نفت شد.

در پاسخ به این تهدیدها، دریابان کوین جی کاسگریف، فرمانده ناوگان پنجم آمریکا مستقر در بحرین، هشدار داد که چنین اقدامی از جانب ایران به منزله جنگ تلقی خواهد شد و اعلام کرد که آمریکا به ایران اجازه نخواهد داد که یک سوم نفت تولیدی دنیا را به گروگان بگیرد. تهدیدات ایران در مورد بستن تنگه هرمز همچنین باعث شده آمریکا و بیست دولت از متحدینش یک مانور مین‌روبی در خاورمیانه برگزار کنند (بی بی سی، ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۲). در این میان لئون پانتا، وزیر دفاع آمریکا در یک کنفرانس خبری مشترک با فیلیپ هاموند، همتای انگلیسی‌اش گفت: آمریکا برای هرگونه اقدام احتیاطی در منطقه آماده است. وزیر دفاع انگلیس هم ابراز کرد: من بر تعهدمان برای ایفای نقش مان در حفظ آزاد بودن رفت و آمدها در آب‌های بین‌المللی خلیج فارس و تنگه هرمز تأکید می‌کنم. هرگونه تلاشی از جانب ایران برای بستن تنگه هرمز غیرقانونی خواهد بود و جامعه بین‌المللی اجازه انجام آن را نخواهد داد (Kube, 2012/07/18).

۵. در جستجوی بدیل‌های مسیر تنگه هرمز

طی چند دهه گذشته منازعه، مبارزه و رقابت دائمی به یک پدیده عادی در منطقه خلیج فارس تبدیل شده است. از میان عوامل موجود، روابط پرتنش بین شورای همکاری خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران یکی از علل اصلی بروز شرایط کنونی در منطقه بوده است. منازعه بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس ممکن است بر اوضاع نابسامان عراق و یمن تأثیر گذارد و در خصوص منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه نیز واکنش‌هایی را در پی

داشته باشد(پرادان، فوریه ۲۰۱۱). توهّمات موجود در مورد بسته شدن احتمالی تنگه هرمز و عدم عرضه نفت از این منطقه حساس به بازارهای بین‌المللی سبب شده تا کشورهای حاشیه این منطقه، دست به کار اقداماتی جهت انتقال نفت از طریق خطوط لوله بزنند. معنای دیگر این حرف این است که براساس اقدامات جدید، از اهمیت تنگه هرمز کاسته خواهد شد و اگر روابط بحرانی گردد و تنگه در شرایطی خاص مسدود گردد تنها ایران خواهد بود که متضرر خواهد گشت. به عبارت دیگر، اقدام کشورهای حاشیه خلیج فارس در ایجاد خطوط لوله برای انتقال نفت، از نقش تنگه هرمز بعنوان اهرم فشار و ابزار قدرت جمهوری اسلامی خواهد کاست و این چیزی نیست که با منافع ملی مان مطابقت داشته باشد.

۱-۵. خطوط لوله در دست اقدام برای جایگزینی تنگه هرمز

وضعیت خاص خلیج فارس و بالاگرفتن تشنجات موجود باعث شد که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس درصدد احداث خط لوله‌ای در صورت عدم عبور نفت خام خود از تنگه هرمز باشند. این خط لوله قرار بود که بصورت طرح مشترکی از جانب کشورهای عضو این شورا باشد که از کویت آغاز شده و تا خلیج عمان ادامه داشته و از آن به منظور حمل نفت خام کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس استفاده شود. علاوه بر این، طرحی در دست مطالعه است که به موجب آن طرح، کشورهای حوزه خلیج فارس درصدد احداث خط لوله‌ای عظیم بوده که از اقیانوس آتلانتیک عبور کرده و بندر ینبع عربستان را به بندر «کریبی» در کامرون متصل می‌کند (مروی، ۱۳۶۶: ۱۱).

به همین منظور، آمریکا مشغول همکاری با شورای همکاری خلیج فارس بوده است تا با ساختن خط لوله‌های متعدد نفت تنگه هرمز را دور بزنند. واشنگتن بر عراق نیز فشار می‌آورد تا با گفتگو با ترکیه، اردن و عربستان سعودی راه دیگری برای صادرات نفت خود پیدا کند. هدف از تغییر مسیر و دور کردن عبور نفت از خلیج فارس این است که مؤلفه‌ای بسیار مهم از اهرم استراتژیکی که ایران بر ضد

واشنگتن و متحدان آن در اختیار دارد را از آن جدا و دور کنند. این عمل به طور مؤثری از اهمیت تنگه هرمز خواهد کاست (مفرح، ۸ ژانویه ۲۰۱۲).

یک گزارش تحقیقی که اخیراً توسط مرکز تحقیقات خلیج فارس منتشر شده است، شش گزینه را برای عبور خط لوله عبور نفت از مسیری غیر از تنگه هرمز پیشنهاد داده است به گفته این مرکز تحقیقاتی، این خط لوله که «ترنس گلف» یا «فرا خلیج» نامیده شده است، می تواند در دامنه‌ای به وسعت عراق تا چندین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس کشیده شود.

یکی از گزینه‌های مطرح شده در این طرح، خط لوله‌ای به طول ۲۵۰۰ کیلومتر است که از کویت، عربستان سعودی و امارات متحده عربی عبور کرده و به مسقط (عمان) و دریای عمان ختم می شود. گزینه دیگر، خط لوله‌ای است که پس از عبور از این کشورها به یمن منتهی می شود. براساس این گزارش، شورای همکاری خلیج-فارس تاکنون دو خط لوله را مورد بررسی قرار داده است که پس از احداث می-توانند روزانه ۶/۵ میلیون بشکه نفت تولیدی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، حدود ۴۰ درصد از کل نفت تولیدی این کشورها را از خود عبور دهند. کار ساخت اولین خط لوله که به طول تقریبی ۳۶۰ کیلومتر است از اوایل سال ۱۳۸۶ آغاز شده است. دومین خط لوله که به خط لوله «ترنس گلف» معروف شده است و به تنهایی ظرفیت انتقال ۵ میلیون بشکه نفت را دارد، همچنان در دست مطالعه است (پایگاه خبری و تحلیلی الف، ۲ فروردین ۱۳۸۶).

۱-۱-۵. امارات و خط لوله فجیره - حبشان

در یک سال گذشته و با توجه به افزایش تنش بین ایران و غرب و همچنین شورای همکاری خلیج فارس، کشورهای منطقه اندک اندک تمایل خود را به دور زدن تنگه-هرمز نشان داده‌اند. در این راستا امارات با کشیدن خط لوله ۳۶۰ کیلومتری، نفت تولیدی در شرق ابوظبی را از میدان‌های نفتی حبشان به بندر فجیره در ساحل دریای عمان منتقل کرد و قصد دارد تا با تکمیل این طرح و رساندن صدور صادرات نفت از این خط لوله به یک و نیم میلیون بشکه دیگر نیازی به انتقال ۷۵ درصد از نفت

صادراتی خود با نفتکش و از راه تنگه هرمز نداشته باشد (رمضانی، ۱۳۹۱/۰۴/۲۹). درست یک روز پس از آنکه فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران، خبر از آن داد که ایران آماده بستن تنگه هرمز است، امارات نخستین محموله نفتی را از خط لوله دورزننده تنگه هرمز به پالایشگاهی در پاکستان صادر کرد (فرزین وفا، ۱۳۹۱/۰۴/۲۷).

این در حالی است که تاکنون همه نفت صادراتی امارات از طریق خلیج فارس و تنگه هرمز به دست مشتریان در بازارهای جهانی می‌رسید. به گفته کارشناسان در صورتی که این خط لوله با کل ظرفیت خود کار کند می‌تواند دو سوم نفت تولیدی سومین تولیدکننده بزرگ اوپک را بدون نیاز به عبور از تنگه هرمز انتقال دهد. این خط لوله ظرفیت انتقال یک میلیون و ۵۰۰ تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه نفت را دارد (Aljazeera, 3 Jul 2012). خط لوله نفت خام ابوظبی موسوم به ادکاپ به وسیله شرکت مهندسی و عمران نفت چین، یکی از زیر مجموعه‌های شرکت ملی نفت چین (سی ان پی سی) ساخته شده است (شاننا، تیر ۱۳۹۱).

وزیر نفت امارات متحده عربی گفت: "این، پروژه‌ای بسیار استراتژیک است و این فرصت را برای مشتریان ما فراهم می‌کند که محموله‌های نفتی بزرگتری دریافت کنند." او اضافه کرد که این پروژه، مسیری جایگزین برای تجارت نفت خام ایجاد می‌کند (BBC, 2012, July, 7).

شکل (۱). خط لوله فجیره - حبشان



هدف از احداث این خط لوله که با سرمایه‌گذاری ۳/۹۲ میلیارد دلاری احداث شد، علاوه بر حفظ امنیت صادرات نفت خام امارات در مواقع بروز بحران در تنگه هرمز،

توسعه بندر فجیره به یک منطقه ویژه انرژی با ایجاد تأسیسات گسترده پالایشگاهی، پتروشیمیایی و ذخیره‌سازی نفت خام است. علاوه بر موارد فوق، امارات با این اقدام هزینه صادرات نفت خام خود را به‌طور محسوسی کاهش خواهد داد، چرا که هزینه بیمه کشتی‌های نفتکش در دریای عمان نصف هزینه آن در خلیج فارس و تنگه هرمز است (خواجوی، ۱۳۸۹: ۸).

امارات همچنین نقش خود را به عنوان یک صادر کننده گاز افزایش داده و طرحی برای ارسال گاز از طریق لوله به فجیره که سپس به عنوان مرکز ذخیره گاز مایع طبیعی عمل خواهد کرد، در دست اجرا دارد. ظرفیت این خط لوله به‌وسیله استفاده از عوامل کاهش مزاحم به شدت بهبود می‌یابد. چنین عواملی می‌تواند ظرفیت را تا ۶۵ درصد افزایش دهد (هندروسن، ۱۶ تیر ۱۳۸۷).

۲-۱-۵. اهداف احداث خط لوله ادکاپ (فجیره - حبشان)

در مورد اهداف احداث این خط لوله مدیر پروژه اظهار داشت: هدف از اجرای این پروژه که از سوی شرکت بین‌المللی سرمایه‌گذاری نفت (آی.پی.آی.سی) دولت ابوظبی آغاز شده، کاهش اتکا به پایانه‌های نفتی واقع در خلیج فارس است. وی ادامه داد: این پروژه همچنین به کاهش ازدحام در تنگه هرمز کمک خواهد کرد. همچنین می‌توان مقابله با چالش‌های ایران و آمریکا در منطقه که ممکن است امنیت انتقال انرژی امارات را به خطر بیندازد نیز به عنوان بخشی از اهداف امارات ذکر کرد. اما در ورای این موارد امارات به واقع درصدد است تا در بلندمدت با گسترش و توسعه بندر فجیره این بندر را به عنوان هاب انرژی در خلیج فارس مطرح نماید. به علاوه که نباید فشارهای غرب و به ویژه آمریکا را در مورد کاهش جایگاه و نقش تنگه-هرمز برای ایران را نادیده گرفت (براری، ۲۰/۹/۱۳۸۹). چند نکته در این باره شایان توجه است: نخست اینکه از آنجایی که نفت امارات بیشترین مشتری را در غرب آسیا دارد و همچنین نفت ایران نیز بیشتر به مقصد آسیا صادر می‌شود، افتتاح این خط لوله می‌تواند تهدیدی برای ایران در از دست دادن مشتریان نفتی در آسیا باشد. در واقع این کشور، شاید از مدت‌ها پیش در انتظار تحریم نفتی ایران بوده تا بتواند با

خیالی آسوده، مشتریان نفتی ایران را به چنگ آورد. افتتاح این خط لوله کمک بزرگی به اطمینان از این هدف کرده است.

دوم، هرچند خط لوله حبشان - فجیره در بالاترین ظرفیت، قادر به انتقال ۱/۸ میلیون بشکه نفت در روز است، اهمیت استراتژیک و روانی این خط لوله برای غرب و حاشیه‌نشینان خلیج فارس است که موجب شده به سرعت خبر آن در رسانه‌ها بازتاب داده شود. به عبارتی در اوضاع کنونی، احساس امنیت روانی ناشی از پیدا شدن مسیری جایگزین برای تنگه‌هرمز، بیش از میزان نفت عبوری از این خط لوله اهمیت دارد.

سومین نکته به این امر باز می‌گردد که در سال‌های اخیر، برخی مقامات ایرانی با سخن گفتن از بستن تنگه‌هرمز، دیگران را به فکر چاره انداخته‌اند تا در صورت بروز مشکل بدیلی برای آن داشته باشند. در واقع ما فرصت مدیریت شاهراه تنگه-هرمز را که بدون هیچ بحثی در دست ایران است و مزیتی بزرگ برای ایران به شمار می‌رود، با بیاناتی که دست‌کم در شرایط کنونی اثر عملیاتی در پس آن‌ها دیده نمی‌شود، تبدیل به تهدید کرده و به کشورهای اعلام می‌کنیم به فکر مقابله با طرح ما باشند و آنان این تهدید را به فرصت خود تبدیل کرده و مزیت و فرصت ما را تبدیل به تهدید می‌کنند. در واقع یکی از نتایج ملموس این سخنان درباره بستن تنگه‌هرمز، این بوده است که کشورهای همسایه با داشتن فرصت، به فکر راه‌های جایگزین برای دور زدن تنگه‌هرمز باشند (تابناک، ۲۷/۴/۱۳۹۱). بعلاوه پس از آن که ایران اعلام کرد توانایی بستن تنگه‌هرمز را در صورت احساس خطر برای صادرات نفتی خود دارد، امارات متحده عربی در بیانیه‌ای مدعی شد که قصد دارد آبراهی را برای پایان نیاز کشورهای منطقه به تنگه‌هرمز در کشور خود احداث کند. اگرچه طرح آبراه جدید ۳/۳ میلیاردی هنوز به مرحله پایانی احداث خود نرسیده است اما مقامات اماراتی امیدوارند که این خط که به سواحل شرقی امارات منتهی می‌شود، بتواند به انتقال نفت کمک کند (کیهان، ۱۹/۱۰/۱۳۹۰). این کانال که یکصد و دوازده مایل طول خواهد داشت، تانکرهای نفتی را قادر خواهد ساخت تنگه‌هرمز را دور بزنند و از

مسیری فرعی وارد اقیانوس هند شوند. آبراه جدید قرار است بندر فجیره را با عبور از کوه‌های حجر به اقیانوس هند متصل کند (کریمی شروانی، ۱۳۸۸: ۱۵). در نتیجه این کانال موقعیت تنگه‌هرمز را به شدت تقلیل خواهد داد. ساخت این کانال همچنین موقعیت استراتژیک جزایر ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را که دولت امارات مدعی مالکیت آن است کاهش می‌دهد (Hatoum, 08 Sep, 2008). به نظر می‌رسد که کشور امارات متحده عربی «جایگاه خود را به عنوان یک حلقه از زنجیره تهدید نظامی برضد ایران» در ائتلافی غربی تصور کرده و سعی می‌نماید با کاهش آسیب‌پذیری خود از خطر انسداد احتمالی تنگه‌هرمز، با احساس امنیت بیشتری وارد این نبرد احتمالی شود (جوکار، ۱۳۹۱: ۶).

۳-۱-۵. سیاست‌های جایگزینی نفت ایران

با اتخاذ سیاست تحریم نفتی غرب علیه ایران، یکی از کشورهایی که نقش مهم و تعیین کننده‌ای در ثبات بازار نفت پیدا می‌کند، عربستان سعودی است. کشوری که با تولید روزانه نزدیک به ۱۰ میلیون بشکه در روز به عنوان مهم‌ترین کشور صادرکننده نفت و از اعضای تعیین کننده اوپک به شمار می‌رود. از نظر غرب نقش عربستان می‌تواند تبعات احتمالی ناشی از تحریم نفت ایران را به حداقل کاهش دهد. از سویی دیگر بحرانی که پس از تحولات جهان عرب بر روابط ایران و عربستان سایه افکند نیز این احتمال را افزایش داده است که عربستان به افزایش تولید نفت خود در همراهی با غرب برای تحریم نفت ایران دست بزند (کریمی، ۱۳۹۱/۴/۱۰).

عربستان سعودی که بارها آمادگی خود برای بالا بردن تولیدش در صورتی که نفت ایران از بازار جهانی حذف شود را اعلام کرده است، با افزایش بهای نفت در ماه فوریه ۲۰۱۲، در چند نوبت افزایش ناگهانی در تولید خود پدید آورد. پیش از این و در نوامبر سال ۲۰۱۱ نیز، عربستان به رکورد بیشترین میزان استخراج ماهانه نفت خام در سه دهه گذشته دست یافته بود (Morales and Ayesha, 2011-12-06). در همین حال علی النعیمی وزیر نفت عربستان سعودی مدعی شد کشور متبوعش توانایی افزایش ۲۵ درصدی نفت خود را نسبت به میزان فعلی دارد (Daya, 2012-03-20)

نکته جالب آن است که از عربستان خواسته شده است، هر چه زودتر ظرفیت خطوط لوله انتقال نفت خود به دریای سرخ را افزایش دهد و اگر می‌خواهد شریکی قابل اعتماد و باثبات باشد، میلیاردها دلار دیگر هزینه کرده و خط لوله جدیدی نیز راه‌اندازی کند (آزاد اندیشان، ۲۳/۱۰/۱۳۹۰).

ع-۱-۵. خط لوله‌ها نفتی عربستان برای دور زدن تنگه هرمز

خط لوله شرقی- غربی

در ژوئیه ۱۹۸۱، ترمینال جدیدی در بندر ینبع واقع در سواحل دریای سرخ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. نفت خام برای رسیدن به این ترمینال از طریق خط لوله اصلی شرقی-غربی پترولاین فرستاده می‌شد. این خط لوله ۴۸ اینچی بطول ۱۲۷۰ کیلومتر با ظرفیت ۵ میلیون بشکه در روز بندر ینبع را به حوزه‌های نفتی «عبیق» و «قوار» می‌رسانید. پایانه‌ی غرب کشور عربستان، ینبوع نیز دارای ۴/۵ میلیون بشکه ظرفیت صادراتی است. هرچند در حال حاضر از نصف ظرفیت این پایانه استفاده می‌شود (BMI, 2012). پترولاین، خط لوله‌ای به طول ۱۲۰۰ کیلومتر و به قطر ۴۸ اینچ بود که دارای ظرفیتی به میزان ۱/۸۵ میلیون بشکه در روز بود. پایانه «ینبوع» در دریای سرخ دومین پایانه صادراتی کشور عربستان سعودی می‌باشد. برحسب داده‌های اداره‌ی اطلاعات انرژی ایالات متحده، این پایانه دارای ظرفیت صادراتی ۴/۵ میلیون بشکه نفت خام و ۲/۵ میلیون بشکه «ال. ان. جی»، محصولات پالایشی است. این پایانه در سال ۱۹۸۲ با هدف کاهش وابستگی به تنگه‌هرمز تکمیل شد و از حیث صادرات به کشورهای اروپایی، حدود ۷۰۰۰ کیلومتر نزدیک‌تر از مسیر تنگه-هرمز برای مقاصد صادراتی اروپایی است. هم‌اکنون از نصف ظرفیت این خط لوله استفاده می‌شود (EIA, 2012).

خط لوله صادراتی عربستان به بحرین

خط لوله بین‌المللی و در حال کار عربستان، متشکل از چهار خط لوله قدیمی با عمر ۶۰ سال است که نفت خام سبک میادین ابوصفرا و دمام را از طریق زیر دریا به بحرین منتقل می‌کند (بولتن نیوز، دی ۱۳۹۰). این خط لوله حدود ۲۵۰/۰۰۰-

۲۰۷/۰۰۰ بشکه نفت را از منطقه‌ی نفتی دمام به پالایشگاه سیتره در بحرین انتقال می‌دهد (BMI, 2012). با توجه به فرسودگی و سن زیاد این خط لوله، قرار است با خط لوله ۱۱۴ کیلومتری به ظرفیت ۳۵۰ تا ۴۵۰ هزار بشکه در روز از بندر آبکیک به پالایشگاه بحرین در سیترا جایگزین شود.

خط لوله نفتی ترانس عربیا (تاپلین)

شرکت خط لوله عبوری از عربستان (تاپلین) که یکی از شرکت‌های وابسته آرامکو می‌باشد، خط لوله‌ای را به طول ۱۲۱۴ کیلومتر که حوزه‌های نفتی سعودی را به ترمینال «ظهرانی» لبنان واقع در دریای مدیترانه می‌رساند، در سال ۱۹۵۰ مورد بهره‌برداری قرار داد. این خط لوله به طول ۸۶۷ کیلومتر در خاک سعودی، ۱۱۷ کیلومتر در خاک اردن، ۱۲۷ کیلومتر در خاک سوریه و ۴۲ کیلومتر در خاک لبنان قرار دارد (EIA, 2008). خط لوله تاپلین دارای ظرفیت عملیاتی ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود؛ لیکن تا سال ۱۹۷۵ تنها نفت خام مورد نیاز پالایشگاه‌های ظهرانی (لبنان) و زرقه (اردن) را تأمین می‌کرده که به معنی کارکردی با حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد ظرفیت عملیاتی آن بوده است (مروی، همان: ۱۰). این خط لوله علی‌رغم قدیمی بودن سیستم انتقال نفت آن، همچنان به عنوان یک مسیر صادراتی بالقوه نفت خام به اروپا و آمریکا مطرح است (بولتن نیوز، ۱۳۹۰/۱۰/۱۶).

شکل (۲). طرح خط لوله نفتی ترانس عربیا



خط لوله عبیق- ینبوع (پترولاین)

خط لوله ۷۴۵ مایلی شرق- غرب عربستان یا "پترولاین" بین منطقه عبیق عربستان و بندر ینبوع در ساحل دریای سرخ ساخته شده است. این خط لوله ۱۲۰۰ کیلومتری موازی خط لوله شرقی- غربی به دریای سرخ است و دارای ظرفیت ۲۹۰ هزار بشکه می باشد. شایان ذکر است این خط لوله از منطقه آبکیک مایعات گازی را جهت مصارف واحدهای پتروشیمی و پالایشگاهی به بندر ینبوع در غرب عربستان انتقال می دهد (مشعل نیوز، ۲۳/ ۶/ ۱۳۹۱).

پایانه رایغ در دریای سرخ

این پایانه در حقیقت برای انتقال نفت از منطقه ی ینبوع به پالایشگاه رایغ کشیده شده است و دارای ظرفیت محدود ۱۱۰ هزار بشکه در روز است. این پایانه تاکنون دارای راهبرد صادراتی نبوده است (جوکار، ۳/ ۲۰۱۳۹۱).

خط لوله عبوری از خاک عربستان سعودی (فاز اول)

پروژه ساخت خط لوله ای که حوزه های جنوبی عراق را به خط لوله شرقی غربی پترولاین عربستان سعودی متصل کند، در سال ۱۹۸۴ مطرح شد. این خط لوله با ظرفیت روزانه ۵۰۰ هزار بشکه و به طول ۶۴۰ کیلومتر و به قطر ۴۸ اینچ بوده و در جهت حمل نفت خام نوع سبک بصره، مرکز ذخیره سازی شماره یک نفت عراق واقع در «زویر» نزدیک «رومیله» را به تلمبه خانه شماره ۳ خط لوله پترولاین وصل می کند.

طرح خط لوله دوم عبوری عراق از خاک عربستان

خط لوله شماره ۲ عبوری عراق از خاک عربستان، خط لوله مستقلی است. این خط لوله در سال ۱۹۸۹ به منظور کاهش وابستگی دولت صدام حسین به تنگه هرمز به بهره برداری رسید. این خط لوله ی ۴۸ اینچی به طول ۹۷۰ کیلومتر حدود ۱/۶۵ میلیون بشکه در روز ظرفیت انتقال نفت از مینا البکر عراق به ینبوع عربستان را داشت که در سال ۱۹۹۰ به خاطر حمله ی عراق به کویت متوقف گردید (B.M.I, 2012). این خط

لوله که متعلق به عراق بود در سال ۲۰۰۱ در قبال بدهی‌های این کشور به عربستان مصادره شد (RT QUESTION, 29 June, 2012).

۲-۵. جایگزینی منابع عراق با نفت ایران در بازارهای سنتی مصرف ایران

خیز عراق به تأمین نیازمندی‌های نفتی جنوب و جنوب شرق آسیا که بازارهای سنتی مصرف نفت ایران پس از انقلاب محسوب می‌شوند، می‌تواند سبب تهدید منافع ملی ایران را فراهم آورد. با توجه به مشابهت کیفیت و ترکیبات نفت ایران و عراق و حتی وجود میادین مشترک بین دو کشور، تحریم نفت ایران فرصت مناسبی برای عراق خواهد بود تا نفت خود را جایگزین نفت ایران در بازار کند. در ماه فوریه سال ۲۰۱۲، تولید نفت عراق به بالاترین میزان خود از سال ۱۹۷۹ رسید و از مرز سه میلیون بشکه در روز گذر کرد (Ajrash and Razzouk, 2012-03-05). هم‌چنین در ماه ژوئن عراق در تولید نفت از ایران پیشی گرفت. عراق در این ماه با تولید روزانه نزدیک به سه میلیون بشکه برای اولین بار پس از پایان جنگ دو کشور، از همسایه شرقی خود پیش افتاد (Nguyen, 2012:07-11).

۱-۲-۵. خط لوله کرکوک - بانیا - طرابلس

خط لوله‌ای که حوزه‌های نفتی کرکوک عراق را به ترمینال‌های بانیا (سوریه) و طرابلس (لبنان) واقع در دریای مدیترانه وصل می‌کند، دارای ظرفیتی معادل ۱/۴ میلیون بشکه در روز است. در سال ۱۹۵۲ خط لوله جدیدی گشایش یافت که فاصله ۵۵۵ مایلی کرکوک به بانیا را در مقایسه با ۵۳۳ مایل خط اصلی طی می‌کرد، ظرفیت عبوری این دو خط لوله با افزودن خط لوله ۳۰ اینچی دیگری به ترمینال طرابلس افزایش یافت. این خط شامل دو لوله با ظرفیت کلی ۷۰۰ هزار بشکه در روز است (مردم سالاری، ۱۳۸۷/۲/۱۵). در ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۰، دولت عراق با سوریه «یادداشت تفاهمی» برای احداث ۲ خط لوله‌ی نفتی و یک خط لوله‌ی گازی، امضا کردند. به دنبال آن، بیانیه‌ی دولت عراق اعلام می‌داشت که دو خط نفتی از حوزه‌های نفتی شمال عراق به بانیا سوریه یکی دارای حداکثر ظرفیت ۱/۵ میلیون بشکه نفت سنگین و دیگری دارای ظرفیت ۱/۲۵ میلیون بشکه نفت سبک می‌باشد.

در فوریه‌ی ۲۰۱۱ نیز دو کشور اعلام کردند که در مورد شرایط فنی این خطوط لوله توافق کرده‌اند.

۲-۲-۵. خط لوله کرکوک- دورتیول (ترکیه)

این خط لوله در چهارم ژانویه ۱۹۷۷ مورد بهره برداری قرار گرفت. این خط لوله که به طول ۹۲۰ کیلومتر و به قطر ۴۰ اینچ بود ۷۲۰ کیلومتر از مسیر خود را در خاک ترکیه می‌پیمود و حوزه‌های شمالی عراق را به ترمینال «سیهان» در بندر مدیترانه‌ای «دورتیول» ترکیه متصل می‌کرد. این خط لوله ۱/۶ میلیون بشکه در روز ظرفیت اسمی دارد هرچند که هم‌اکنون تنها ۴۵۰ هزار بشکه در روز نفت را از کرکوک به شهر یومورتالیک- نزدیک بندر جیهان ترکیه- منتقل می‌نماید (BMI, 2012).

۲-۳-۵. خط لوله عراق- اردن

این خط لوله که قرار بود حدیثه(عراق) را به بندر عقبه(اردن) وصل کند، پس از مطرح شدن مسایل بسیار در خصوص چگونگی اجرا و پرداخت هزینه‌های آن با تصمیم اعلام شده از جانب عراق، کنار نهاده شد. این پروژه عبارت از احداث خط لوله‌ای به طول ۹۲۰ کیلومتر و به قطر ۴۲ اینچ و به ظرفیت یک میلیون بشکه در روز بود؛ با این حال عراق در حال رایزنی با اردن برای انتقال نفت و گاز خود از خاک این کشور به مشتریان خارجی‌اش به ویژه در اروپا است (دیپلماسی ایرانی، اسفند ۱۳۹۰). عراق هم‌اکنون روزانه ۱۵ هزار بشکه نفت خام را از طریق خودروهای نفتکش به اردن، صادر می‌کند (ایران دیپلماتیک، اسفند ۱۳۹۰).

۲-۴-۵. خط لوله «استراتژیک» عراق

این خط لوله شامل دو قسمت است که قسمت اول به طول ۶۸۰ کیلومتر «حدیثه» را به رومیله متصل می‌کند، قسمت دوم که ۱۰۵ کیلومتر طول دارد؛ رومیله را به ترمینال فاو، واقع در خلیج فارس متصل می‌کند. قسمت حدیثه- رومیله از دو خط لوله به موازات هم، یکی به قطر ۴۲ اینچ در جهت حمل نفت خام و با ظرفیت ۴۹ میلیون تن در سال از شمال به طرف جنوب و ۴۴ میلیون تن در سال از جهت دیگر و دیگری به قطر ۱۸ اینچ و در جهت حمل گاز تشکیل شده است. قسمت رومیله فاو

نیز از دو خط لوله به موازات هم، یکی به قطر ۲۴ اینچ و دیگری به قطر ۳۰-۳۲ اینچ تشکیل شده است (مروی، همان: ۱۵).

۵-۲-۵. خط لوله عراق - ترکیه

در سال ۲۰۰۶، وزیر نفت عراق اعلام کرد که بغداد در حال بررسی ساخت خط لوله جدید نفتی برای صادرات از حوزه‌ی کرکوک شمالی به ترکیه است (BMI, 2012). خط لوله پیشنهادی بصره کرکوک منجر به اتصال تولید رو به رشد نفت خام از حوزه‌های جنوبی عراق به شمال این کشور و نهایتاً مسیر صادراتی ترکیه خواهد شد. توسعه این خط لوله به بغداد این امکان را می‌دهد که ۸۰ درصد صادرات کنونی خود را با دور زدن تنگه‌هرمز، از مسیر شمالی و از طریق ترکیه صادر کند.

۵-۳. کویت

در سال ۱۹۸۱ مسئله تنگه‌هرمز در اجلاس کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مطرح شد و اعضای این شورا مشترکاً بر آن شدند که احداث خط لوله‌ای که از کویت آغاز شده و تا خلیج عمان امتداد داشته باشد و نفت تمامی کشورهای عضو این شورا را انتقال دهد مطالعاتی را آغاز کنند. با توجه به تعویق اجرای این طرح که دلایل عدیده‌ای دربرداشت، کویت بر آن شده است که مستقلاً به احداث خط لوله‌ای که از خاک سعودی عبور کرده و نفت خام این کشور را به دریای سرخ می‌رساند، اقداماتی را صورت دهد (مروی، همان: ۱۶). این کشور برای مقابله با بسته شدن احتمالی تنگه‌هرمز و جلوگیری از صادرات نفت کویت، در حال افزایش انبارهای نفت خام خود در کره جنوبی و شرق آسیاست (شفاف، ۳۱/۴/۱۳۹۱). همچنین اتصال نفت کویت از طریق عراق به ترمینال جیهان و یا انتقال گاز قطر از طریق عراق به خط لوله ناباکو می‌تواند در کاهش استراتژیک تنگه‌هرمز و تغییر ژئوپلیتیک انتقال خلیج فارس تأثیرگذار باشد (BMI, 2012: 40-43).

۵-۴. قطر

ذخایر اثبات شده نفت قطر، رتبه سیزدهم را در بین بزرگترین کشورهای دارای ذخایر نفت خام جهان در در پایان سال ۲۰۱۲ به خود اختصاص داد و این کشور

همچنان یکی از تأمین کننده های مهم نفت جهان است. برابر آمار منتشره از سوی مجله بین المللی نفت و گاز (Oil and Gas Journal)، در اول ژانویه ۲۰۱۳، ذخایر اثبات شده نفت قطر بالغ بر ۲۵/۴ میلیارد بشکه اعلام شده است. براساس آمارهای رسمی منتشره از سوی اوپک، قطر در سال ۲۰۱۱، در بین ۱۲ کشور عضو اوپک، رتبه دهم را در تولید روزانه نفت خام به خود اختصاص داد که البته تنها کمی بیش از اکوادور و لیبی بود. در این سال، کل تولید مایعات نفتی قطر حدود ۱/۶ میلیون بشکه در روز گزارش شده که ۸۵۰ هزار بشکه در روز آن، نفت خام است (معظمی، جوکار، ۲۰۱۳: ۲-۳). ظرفیت تولید نفت قطر ۱/۶ میلیون بشکه در روز است که صادرات این کشور ۱/۴ میلیون بشکه است و همه این میزان باید از طریق تنگه هرمز منتقل شود.

جدول (۱). خطوط لوله انتقال نفت خلیج فارس (میلیون بشکه)

نام خط لوله	ظرفیت انتقال	مسیر	طول (کیلومتر)	وضعیت کاربردی
شرقی - غربی عربستان Petroline	۵/۱ میلیون	از شرق به غرب عربستان	۱۲۰۰	ظرفیت ۲/۵ میلیون استفاده می شود.
ایبق ینیع Abqaiq-Yanbu	۲۹۰ هزار بشکه	موازی خط لوله شرقی غربی	۱۲۰۰	برای انتقال گاز از آن استفاده می شود.
خط لوله قدیمی عراق IPSA	۱/۶ میلیون	از عربستان به دریای سرخ	۹۷۰	راه اندازی تازه بعد از تهدیدات ایران
ترانس عربیا Taplinen	۵۰۰ هزار بشکه	از الفیصومه عربستان به بندر صیدای لبنان	۱۶۰۰	مذاکرات برای بازگشایی مجدد آن
عربستان به بحرین	۲۵۰ هزار	عربستان به بحرین	۱۱۴	۲۵۰۰۰۰
حیسان - فجیره امارات	۱/۸ میلیون	حیسان به فجیره	۳۶۰	۱/۵ میلیون بشکه
کرکوک - باناس - طرابلس	۱/۴ میلیون بشکه	از عراق به باناس سوریه	۸۰۰	در حال مذاکره برای بازگشایی
عراق به ترکیه	۱/۶ میلیون	از کرکوک عراق به بندر جهان ترکیه	۸۹۰	۴۰۰ هزار بشکه

تهیه جدول توسط نگارندگان براساس منابع مختلف: «(رمضانی، ۱۳۹۱/۴/۳۹) (BMI, 2012) (EIA, 2012) (بولتن نیوز، ۱۳۹۰/۱۰/۱۶) (جوکار، ۲۰۱۳/۳/۲) (دیپلماسی ایرانی، اسفند ۱۳۹۰) (مروی، همان: ۱۵)».

میزان صادرات نفت کشورهای عربی از تنگه هرمز در وضعیت عادی و اضطراری اما در عین حال باید این نکته را نیز در نظر داشته باشیم که تنگه هرمز همچنان بعنوان یک آبراه بین‌المللی مورد استفاده واقع می‌شود. جدول شماره ۲ در صفحه بعد این مسئله را نشان می‌دهد.

جدول (۲). میزان وابستگی کشورها به مسیر تنگه هرمز (میلیون بشکه).

نام کشور	تولید روزانه نفت	مصرف	میزان صادرات	مسیر غیر از تنگه-هرمز	مسیر غیر از تنگه هرمز در وضعیت اضطراری	تردد روزانه از تنگه هرمز	مسیر تنگه هرمز در وضعیت اضطرار
عربستان	۱۱/۱۵۳	۲/۸۵۶	۸/۳۳۶	۳/۳ میلیون	حدود ۷/۷	حدود ۵ میلیون	۰
امارات	۳/۰۹۶	۵۷۲	۲/۵۲۴	۱/۷	۱/۸	۸۰۰ هزار	۵۰۰ هزار
عراق	۲/۶۳۴	۷۱۹	۱/۹۱۵	۷۰۰ هزار	۳/۳	۱/۲	۰
کویت	۲/۶۸۱	۳۳۹	۲/۳۴۳	۳۰۰ هزار	۰	۲ میلیون	۲ میلیون
قطر	۱/۶۳۷	۱۶۹	۱/۴۶۸	حدود ۴۰۰ هزار	۰	۱ میلیون	۱ میلیون
بحرین	۴۷	۴۸	-۱/۱۴	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۸/۶۱۴	۴/۷۰۳	۱۶/۵۸۴	حدود ۶/۴ میلیون	۱۲/۸	۱۰ میلیون	۳/۵

مطالب و آمارهای فوق‌الذکر به خوبی نشان می‌دهد که در صورت بسته شدن تنگه هرمز میزان ۳/۵ میلیون بشکه نفت کشورهای عربی از این مسیر قابل انتقال نیست ولی مابقی نفت این کشورها از طریق خطوط لوله جایگزین به بازارهای مصرف فرستاده خواهد شد. در اینجا چند نکته نیز باید مورد توجه قرار بگیرد:

اول اینکه در صورت بسته شدن تنگه هرمز کشورهای منطقه می‌توانند با تکنولوژی پیشرفته میزان نفت عبوری از خطوط لوله را بیشتر از مقدار پیش‌بینی شده نیز افزایش دهند. بدین ترتیب که اگر ماده DRA، را به نفت اضافه کنند خط لوله را روان سازی می‌کند و ظرفیت خط لوله افزایش می‌یابد به عنوان مثال در حال حاضر عربستان در حال افزایش ظرفیت انتقال خط لوله پترولاین به ۶/۶ میلیون بشکه با تقویت خط است (خبر آنلاین، مهر ۱۳۹۱).



پیامدهای خطوط لوله عربی بر ژئوپلیتیک تنگه هرمز

دوم اینکه می توان از طرق زمینی به وسیله تانکرهای نفت کش میزانی از نفت را به بازار جهانی رساند. سوم اینکه کویت نیز می تواند از خطوط لوله عربستان و عراق در صورت بروز بحران استفاده کند. چهارم اینکه باید توجه داشت که موارد فوق الذکر تمام خط لوله های کشورهای عربی را شامل نمی شود و فقط مهم ترین خطوط مدنظر گرفته شده است. همچنین خطوط لوله در حال ساخت یا برنامه ریزی شده را هم باید در اینجا مد نظر قرار داد که در صورت راه اندازی احتمالی توان انتقال نفت از مسیرهای جایگزین را افزایش خواهد داد. نکته پنجم این است که بعضی از چاه های نفت عربستان در قسمت غربی است (حدود ۳۰ درصد) و اگر آمار آن را هم از میزان صادرات کم کنیم میزان صادرات نفت از تنگه هرمز باز هم پایین تر می آید (شانا، آبان ۱۳۹۲). ششم اینکه در عین حال کشورهای منطقه و غیرمنطقه ای هم در صورت بحران، درهای ذخایر نفتی خود را باز کرده و مانع از بروز بحران نفتی جدی خواهند شد. در این میان مسئله ای که مهم به نظر می رسد این است که در صورت بروز بحران، کشورهای دیگر ساکت نخواهند نشست و در مقابل ایران قرار خواهند گرفت زیرا موتور محرک اقتصاد آن ها وابسته به نفت این منطقه است در نتیجه اگر این اتفاق بیفتد در این میان ایران بیشترین ضرر را خواهد دید زیرا تهران هیچ راهی بجز عبور نفت خود از تنگه هرمز ندارد. در این میان رقبای درجه یک ایران در منطقه یعنی عربستان و امارات می توانند از خطوط لوله جایگزین خود استفاده کنند کویت هم می تواند از خطوط لوله نفت عربستان و عراق بهره ببرد، عراق نیز از خطوط لوله کافی برای انتقال نفت برخوردار است و همچنین روابط ایران و عراق آنچنان دوستانه هست که ایران از عبور نفت کش های عراقی ممانعت نکند. در این میان فقط قطر باقی می ماند که با استفاده از قدرت کشورهای غربی احتمالاً برای برون رفت از این بحران مفروض، راهی را پیدا خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ای با شماری از همسایگان عربی با رژیم‌های سیاسی پادشاهی، خاندانی و امیرنشین قرار دارد. کشورهای منطقه همچون عربستان و امارات بدنبال پیاده نمودن طرح‌هایی هستند که در صورت به ثمر رسیدن این طرح‌ها، جایگاه ایران در منطقه و همچنین هزینه برخورد با ایران بسیار کاهش پیدا خواهد کرد. لذا ضروری است که دستگاه دیپلماسی کشور، با هوشیاری کامل برای حفظ این موقعیت استراتژیک که برای ایران فوائد بسیار مهم امنیتی، اقتصادی و سیاسی به همراه دارد، اقدامات پیشگیرانه‌ای را طراحی نماید. در این راستا، توسعه روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس و تلاش برای کاهش و یا رفع کدورت‌های فی‌مابین بسیار مهم می‌باشد. به عبارت دیگر، جلوگیری از همه‌گیر شدن پروژه ایران‌هراسی می‌بایست یکی از اولویت‌های اساسی حوزه کاری دستگاه دیپلماسی و امنیتی کشور قلمداد گردد. لذا باید گفت جدا از قطر که به نوعی با محدودیت‌هایی در استفاده از خلیج فارس با توجه به ساحل کم روبرو است کشورهای دیگر خلیج فارس اکنون می‌کوشند تا با تدوین استراتژی و راهبردهای دقیق نفتی و امنیتی بیش از هر زمانی از وابستگی خود به تنگه‌هرمز بکاهند و مانع از تأثیرگذاری راهبردهای امنیتی و سیاسی ایران بر صادرات نفت آنان شوند. در این راستا این راهبرد هر چند نیازمند اهرم‌ها و ابزارهای گسترده‌ای است اما بی‌شک در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌تواند بر منافع ملی و امنیت ایران نیز تأثیرگذار باشد. توجه به نظریه ثبات هژمونیک که توسط کوهن بسط داده شده اهمیت انرژی و همین‌طور مسئله ارتباطات و دسترسی را آشکار می‌کند در همین زمینه ایران باید بتواند از موقعیت ممتاز خود در منطقه نهایت استفاده را ببرد. امروزه یکی از راه‌های بقا کشورها و تضمین امنیت آن‌ها در عرصه بین‌المللی ایجاد و تعمیق علقه‌هایی است که یک کشور را با سایر کشورها پیوند خواهد زد. آن چه مسلم است ایران در منطقه خلیج فارس و تسلط بر تنگه‌هرمز جایگاهی منحصر به فرد دارد. اما تلاش برای استفاده از این موقعیت در شرایط کنونی که به نوعی عدم اطمینان نسبت به برنامه‌ها



پیامدهای خطوط
لوله عربی بر
ژئوپلیتیک
تنگه هرمز

و اهداف ایران در سطح بین‌المللی وجود دارد چندان بی‌اشکال نمی‌نماید. در حقیقت ایران باید خود زمینه‌ها را برای درگیر کردن سایر کشورها در منطقه فراهم کند. تعمیق و گسترش روابط با کشورهای عربی منطقه و امضاء توافقات دو جانبه و چندجانبه اقتصادی و امنیتی، از طریق شورای همکاری خلیج فارس باید به یک اولویت اساسی در دستگاه سیاست خارجی تبدیل گردد تا به این ترتیب خیال کشورهای منطقه و غرب از امنیت انتقال از طریق این تنگه راحت باشد و ایران تنها زمانی باید به استفاده از این ابزار دست بزند که بقای خود را در خطر می‌بیند. در غیر این صورت اتفاقی که خواهد افتاد تلاش گسترده و تدریجی کشورها برای یافتن راههای جایگزین خواهد بود و لذا کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به منظور مقابله با عوارض احتمالی مناقشه در منطقه و کاستن از اهمیت استراتژیک تنگه هرمز اقدام به ساخت خط لوله انتقال نفت می‌کنند و بدین ترتیب ایران نه تنها منافع اقتصادی بلکه منافع امنیتی خود را نیز از دست خواهد داد.

منابع

الف- فارسی

- اسدیان، امیر (۱۳۸۱) سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- احمدی، سیدعباس. موسوی، الهام سادات (۱۳۸۶) «نقش انرژی فسیلی در ژئوپلیتیک جهانی انرژی» ششمین همایش ملی انرژی.
- آقازاده، غلامرضا (۱۳۶۰) «مجموعه مقالات، سمینار بررسی مسائل خلیج فارس»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- براری، اباذر (۱۳۸۹) «نخستین تلاش‌های عملی برای کاهش نقش و جایگاه تنگه هرمز» مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۲۰ آذر.

- خواجه‌ی، علی (۱۳۸۹) «تلاش امارات در راستای کمرنگ نمودن نقش تنگه هرمز در مبادلات جهانی نفت خام» *مجله اقتصاد انرژی*، خرداد- شماره ۱۲۷.
- شکوئی، حسین (۱۳۶۴) *فلسفه جغرافیا؛ ج ۳، گیتاشناسی*، تهران.
- شهابی، سیف‌الرضا (۱۳۸۶) «دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس» با گفتاری از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- عضدی، وحید (۱۳۹۰) «بررسی روابط ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس براساس نظریه بازیها» ۱۰ آبان.
- کومار پرادان، پراسانتا (۲۰۱۱) «منازعه ایران و شورای همکاری خلیج فارس و اثرات راهبردی آن بر منطقه» *بررسی استراتژیک، مؤسسه تجزیه و تحلیل مطالعات دفاعی*، فوریه.
- کریمی، کامران (۱۳۹۱) «نقش عربستان سعودی در سیاست تحریم نفتی ایران» *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح*، ۱۰ تیر.
- مهدیان، حسین، ترکاشوند، جلال (۱۳۸۹) «انرژی و امنیت ملی ایران»، تهران، نشر انتخاب.
- هندروسن، سیمون (۱۳۸۷) «انرژی در خطر (ایران، نفت و غرب)» مترجم کیانوش کیاکجوری، انتشارات: باشگاه اندیشه (سایت مؤسسه واشنگتن برای خاور نزدیک) ۱۶ تیر.
- نجفی اسفاد، مرتضی (۱۳۶۹) «تنگه‌هرمز از دیدگاه حقوق بین‌الملل دریاها» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- مروی، علی (۱۳۶۶) «جنگ نفتکش‌ها و اهمیت استراتژیک تنگه‌هرمز» *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شهریور، شماره ۱۱.
- «ما خود تنگه‌هرمز را بسته‌ایم!» *تابناک*، ۲۷ تیر ۱۳۹۱.
- «برگزاری مانور بزرگ مین روی آمریکا در خلیج فارس» *بی بی سی فارسی* ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۲ - ۲۷ تیر ۱۳۹۱.
- «شش گزینه شورای همکاری خلیج فارس برای دور زدن تنگه‌هرمز» *جامعه خبری و تحلیلی الف*، ۲ فروردین ۱۳۸۶.
- رمضانی، علی «اعراب و نگاه به دور زدن تنگه‌هرمز» *روزنامه سراسری صبح ایران (آفرینش)*، ۲۹/۰۴/۱۳۹۱.
- وفا، فرزین «تلاش عرب‌ها برای دور زدن تنگه‌هرمز» *جهان صنعت (انرژی)*، سال نهم ۲۷ تیر ۱۳۹۱.

- «خط لوله نفت ابوظبی امروز به بهره برداری می رسد» شانا، ۲۵ تیر ۱۳۹۱.
- «افزایش صادرات نفت عراق و عربستان» دیپلماسی ایرانی، ۱۵ اسفند ۱۳۹۰.
- «شکست طرح امارات برای دور زدن تنگه هرمز» کیهان، ۱۹ دی ۱۳۹۰.
- کریمی شروذانی، محمود «شرایط بسته شدن تنگه هرمز» نور پرتال، ۳۱ شهریور ۱۳۸۸.
- جوکار، محمدصادق «بررسی برنامه‌ی تغییر ژئوپلتیک» انتقال انرژی در خلیج فارس (۱)؛ گروه
بین‌الملل برهان، ۲۰/۳/۱۳۹۱.
- «جنبه پنهان افزایش تنش‌ها بر سر تنگه هرمز» آزاد اندیشان، ۲۳ دی ۱۳۹۰.
- جنوبی، پیمان «جهش نفتی به سوی ۱۷۰ دلار» مردم سالاری، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۷.
- «بستن تنگه هرمز، نصف صادرات نفت عراق را متوقف می‌کند، به دنبال راه‌های جایگزین هستیم»
ایران دیپلماتیک، ۲ اسفند ۱۳۹۰.
- «برنامه کویت برای بسته شدن تنگه هرمز!» شفاف، ۳۱ تیر ۱۳۹۱.
- «بررسی مسیرهای جایگزین تنگه هرمز برای صادرات نفت خام مشخص کرد:» پایگاه خبری بولتن
نیوز، ۱۶ دی ۱۳۹۰.
- مفرح، علی «ژئوپلتیک تنگه هرمز - آیا ممکن است نیروی دریایی امریکا در تنگه هرمز از ایران
شکست بخورد؟» گلوبال ریسرچ، ۸ ژانویه ۲۰۱۲.
- «حاکمیت قوانین عرفی بر استراتژیک‌ترین آبراهه جهان» مردم‌سالاری، شماره ۱۶
- «تنگه هرمز را با کشیدن خط لوله نفت می‌شود دور زد؟» آخرین وضعیت انتقال لوله‌ای نفت از
خلیج فارس» خبرگزاری تحلیلی ایران (خبر آنلاین) ۲۸ مهر ۱۳۹۱.
- «بررسی جامع وضعیت انرژی و ذخایر نفت و گاز در عربستان سعودی» شبکه اطلاع رسانی نفت
و انرژی (شانا) چهارشنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۲.
- «ایران ابرقدرت خاورمیانه؛ شکست ۵ سناریوی دور زدن تنگه هرمز» پایگاه خبری و اطلاع
رسانی مشعل نیوز، ۲۳/ ۶/ ۱۳۹۱.
- شریعت پناهی، فاطمه «ادامه بررسی نقش ژئوپلتیک خلیج فارس در امنیت ملی ایران» ۴ تیر ۱۳۸۹
- ب- منابع انگلیسی

BMI (2012) Saudi Arabia. Oil and Gas Report. London: BMI Press.

BMI (2012) Iraq Oil and Gas Report. London: BMI Press.

Business Monitor International (2012) Turkey Oil&Gas Report Quarterly 2, 2012.
London: BMI Press.

Winstone, Ruth, Paul Bolton and Donna Gore, Energy Security, House of Commons Library, Published 09 May 2007.

EIA (2008) Annual Energy Outlook 2009, DOE/EIA-0383(2008) (Washington, DC, June).

http://www.eia.gov/forecasts/steo/report/global_oil.cfm

Borger, Julian (2009) Clinton: U.S. Will Extend 'Defense Umbrella' Over Gulf if Iran, guardian.co.uk, Wednesday 22 July.

Emerson Sarah A. and Andrew C. Winner (2014) "The Myth of Petroleum Independence and Foreign Policy Isolation" (ESAI Energy) The in Washington Quarterly & Spring.

Guzansky, Yoel (2012) "US and Iran Anxiously Watch Strait of Hormuz" researcher at the Israeli Institute for National Security Studies (INSS), 23 Jul.

Canty, Daniel (2011) "Arabian oil and gas exports under threat from Iran" Arabian oil and gas.com, 28 Dec.

"Iran's MPs debate Strait of Hormuz closure" Al Jazeera and agencies, 03 Jul 2012 .

Courtney Kube (2012) "US won't allow Iran to shut down Strait of Hormuz, Panetta vows" NBC News- 18 Jul.

Hatoum, Majdoline (2008) "Dubai Mulls Oil Canal to Bypass Iran's Hormuz Threat" Dow Jones Newswires, Sep 08.

Morales, Alex and Ayesha, (2011) "Saudi Arabia Crude Production Rises to Highest in Three Decades" **Bloomberg**, Daya - Dec 7.

Daya, Ayesha (2012) "Saudi Arabia Can Raise Output 25% If Needed, Naimi Says" Bloomberg - Mar 21.

Paul, Gallis (2006) Nato and Energy security, CRS Report for Congress, March 21, 2006.

Ajrash, Kadhim and Razzouk, Nayla (2012) "Iraq Crude Output at Highest Since 1979, Oil Minister Says" Bloomberg - Mar 5.

Nguyen, Lananh (2012) "Iraq Crude Production Overtakes Iran as OPEC Trims Output" **Bloomberg** - Jul 11.



پیامدهای خطوط
لوله عربی بر
ژئوپلیتیک
تنگه هرمز